



## The "Mandatory" and "Universal" Nature of Fundamental Human Rights in the International and Islamic Human Rights System

Taha Teimouri<sup>1</sup>, Malek Zolgadr<sup>2\*</sup>, Seyed Frashid Jafari Pabandi<sup>3</sup>

1. PhD student in Public International Law, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 55-74

**Article history:**

**Received:** 23 Jun 2025

**Edition:** 19 Jul 2025

**Accepted:** 21 Aug 2025

**Published online:** 23 Sep 2025

### Keywords:

Human rights; fundamental human rights; human dignity; peremptory norms; universal obligations.

### Corresponding Author:

**Malek Zolgadr**

### Address:

Iran, Zanzan, Islamic Azad University, Zanzan Branch, Department of Political Science and International Relations.

### Orchid Code:

0000-0002-1767-4015

### Email:

[malekezolgadr@gmail.com](mailto:malekezolgadr@gmail.com)

### ABSTRACT

**Background and Aims:** Fundamental human rights are considered one of the important concepts in the human rights space, which has extensive effects in various fields of human and international rights. The aim of the present study is to explain the mandatory and universal nature of fundamental human rights within the framework of international and Islamic human rights.

**Materials and Methods:** This research is of a theoretical nature and its method is descriptive-analytical with library tools.

**Ethical Considerations:** In all stages of writing this research, honesty and trustworthiness have been observed, while respecting the originality of the texts.

**Findings:** The absolute and inviolable mandatory nature of fundamental human rights is a common feature in the international and Islamic human rights system. In the international law system, these rights are defined in the form of mandatory rules in such a way that they cannot be violated or suspended under any circumstances. This mandatory nature in the Islamic human rights system is also based on the definitive texts of the Quran and Sunnah and solid jurisprudential principles that consider the protection of human dignity and fundamental rights as obligatory and inviolable.

**Conclusion:** The basic characteristics of fundamental human rights, namely absolute bindingness, universality, superior source, collective and inclusive nature, and the existence of monitoring mechanisms, have made them prominent examples of peremptory norms and universal obligations in both the international and Islamic human rights systems.

### Cite this article as:

Teimouri T, Zolgadr M, Jafari Pabandi SF. The "Mandatory" and "Universal" Nature of Fundamental Human Rights in the International and Islamic Human Rights System. *Jurisprudential Research on Human Rights*. 2025.



دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

«وصف آمره» و «عام الشمول بودن» حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی

طاها تیموری<sup>۱</sup>، مالک ذوالقدر<sup>۲\*</sup>، سید فرشید جعفری پابندی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۳. سید فرشید جعفری پابندی، استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

## چکیده

## اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۴-۵۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

## واژگان کلیدی:

حقوق بشر؛ حقوق بنیادین بشر؛ کرامت انسانی؛ قواعد آمره؛ تعهدات عام‌الشمول.

نویسنده مسئول:

مالک ذوالقدر

آدرس پستی:

ایران، زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل.

کد ارکید:

0000-0002-1767-4015

پست الکترونیک:

[malekezoigadr@gmail.com](mailto:malekezoigadr@gmail.com)

**زمینه و هدف:** حقوق بنیادین بشر یکی از مفاهیم مهم در فضای حقوق بشر محسوب می‌گردد که دارای آثار گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف حقوق بشر و بین‌الملل می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر تبیین وصف آمره و عام‌الشمول بودن حقوق بنیادین بشر در چارچوب حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی می‌باشد.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای می‌باشد.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** الزام‌آوری مطلق و غیرقابل تخطی بودن حقوق بنیادین بشر یک ویژگی مشترک در نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی محسوب می‌گردد. در نظام حقوق بین‌الملل، این حقوق در قالب قواعد آمره به گونه‌ای تعریف شده‌اند که در هیچ حالت و شرایطی نمی‌تواند آن‌ها را نقض یا معلق نمود. این الزام‌آوری در نظام حقوق بشر اسلامی نیز مبتنی بر نصوص قطعی قرآن و سنت و اصول فقهی محکم است که حفظ کرامت انسانی و حقوق اساسی را واجب و غیرقابل تعطیل می‌داند.

**نتیجه:** ویژگی‌های اساسی حقوق بنیادین بشر، یعنی الزام‌آوری مطلق، جهان‌شمولی، منبع برتر، ماهیت جمعی و فراگیر و وجود سازوکارهای نظارتی، آن‌ها را به مصادیق بارز قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در هر دو نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی تبدیل کرده است.

## ۱. مقدمه

حقوق بشر باشد. در عین حال، حقوق بشر اسلامی نیز در سال‌های اخیر تلاش داشته است تا با بازخوانی منابع دینی و اصول فقهی، بستری هماهنگ با جهان‌بینی اسلامی برای حمایت از کرامت انسان فراهم آورد. اگرچه این نظام حقوقی در مقایسه با حقوق بشر بین‌المللی، دارای مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه خاص خود است، اما در اصول کلیدی همچون حفظ جان، عقل، دین، نسل و مال، با اصول حقوق بشر جهانی نقاط اشتراک قابل توجهی دارد. این نزدیکی نظری، امکان گفت‌وگویی بنیادین میان دو نظام را فراهم می‌سازد. از این منظر، بررسی امکان آمره و عام‌الشمول تلقی کردن حقوق بنیادین بشر در حقوق بشر اسلامی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا نشان می‌دهد که آیا می‌توان با تکیه بر اصول قطعی فقهی، مبانی شرعی و اجماعیات فقهی، به سطحی از الزام‌آوری و جهان‌شمولی برای این حقوق دست یافت که قابل مقایسه با قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در نظام بین‌المللی باشد. اهمیت این پرسش در آن است که پاسخ به آن، صرفاً یک تحلیل نظری نیست، بلکه نتایج عملی و گسترده‌ای به دنبال دارد. در صورتی که حقوق بنیادین بشر در هر دو نظام در زمره قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول قرار گیرند، پیامدهایی چون بی‌اثر شدن قوانین داخلی مخالف، بطلان معاهدات ناقص، امکان رسیدگی جهانی به نقض‌های گسترده، و الزام دولت‌ها به پیشگیری و مقابله با چنین نقض‌هایی حتی خارج از مرزهای خود، به طور جدی مطرح می‌شود. در این صورت، حمایت از حقوق بنیادین بشر از یک «تعهد قراردادی» صرف فراتر رفته و به سطح «وظیفه جهانی» ارتقاء می‌یابد. افزون بر این، مطالعه تطبیقی

حقوق بنیادین بشر، به عنوان بستر مشترک ارزش‌های انسانی، همواره در کانون توجه نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی قرار داشته‌اند. این حقوق که ناظر به کرامت ذاتی انسان‌ها، فارغ از وابستگی‌های نژادی، دینی، جنسیتی و جغرافیایی هستند، واجد جایگاهی برتر در هرم قواعد حقوقی تلقی می‌شوند. از سوی دیگر، مفاهیمی همچون قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در حقوق بین‌الملل، از جمله نهادهایی هستند که با هدف حفظ نظم عمومی بین‌المللی، حمایت از اصول بنیادی بشری و جلوگیری از نقض‌های گسترده و سیستماتیک، شکل گرفته‌اند. با این حال، پرسشی بنیادین و در عین حال چالش‌برانگیز آن است که آیا می‌توان حقوق بنیادین بشر را در زمره قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در دو نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی دانست؟ طرح این پرسش نه تنها از حیث نظری و فلسفی، بلکه از منظر حقوقی و عملی نیز واجد اهمیت است. از یک‌سو، قواعد آمره در حقوق بین‌الملل به عنوان هنجارهایی شناخته می‌شوند که تخطی ناپذیرند و هیچ معاهده، توافق یا اقدام یک‌جانبه‌ای نمی‌تواند آن‌ها را نقض کند. این قواعد بیانگر اصولی هستند که به نحوی بنیادین نظم بین‌المللی را حفظ می‌کنند و تمامی دولت‌ها، فارغ از اراده یا رضایتشان، ملزم به رعایت آن‌ها هستند. از سوی دیگر، تعهدات عام‌الشمول ناظر به الزاماتی‌اند که همه دولت‌ها در قبال جامعه جهانی بر عهده دارند و نقض آن‌ها، واکنش جمعی و مسئولیت بین‌المللی را در پی خواهد داشت. در این چارچوب، پیوند میان این مفاهیم و جایگاه حقوق بنیادین بشر، می‌تواند نشان‌دهنده عمق و گستره تعهدات کشورها در حوزه

خود، آن را در حد قاعده ای که هیچ گونه تخطی از حدود آن مجاز نیست و نه می‌تواند جز با قاعده جدید حقوق بین‌الملل عام، با همان خصوصیت، تغییر یابد، مورد شناسایی قرار داده است. امروزه دیدگاه مطرح حقوقدانان بر این است که عده از حق های بشری، به ویژه حقوق بنیادین بشر، نیز جزء قواعد آمره بین‌المللی شمرده می‌شوند. حقوق بنیادین بشر، حقوقی اند که مطابق بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ دولت‌ها تحت هیچ نوع شرایطی نمی‌توانند آنها را نقض و یا محدود نمایند. قاعده آمره بین‌المللی، بر خلاف حقوق بنیادین بشر، در مواردی، مانند وضع قاعده آمره جدید توسط جامعه بین‌المللی (دولتها)، تغییر را می‌پذیرد. پس رابطه در میان این دو نوع قاعده از جنس عموم و خصوص من وجه بوده، با در نظر داشت ویژگی های هرکدام، تبدیل حقوق بنیادین بشر به قواعد آمره بین‌المللی با ماهیت و ذات حقوق بنیادین بشر منافات دارد. لذا بهتر است بجای قرار دادن حقوق بنیادین بشر در جایگاه قواعد آمره بین‌المللی، آنها در مقام والای تغییرناپذیری خودشان در نظر گرفته شوند.» در همین راستا، مقاله جعفری تحت عنوان «حقوق بنیادین بشر در منشور حکومتی امام علی(ع)» جالب توجه است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد نه تنها حقوقی بنیادینی که تمدن قرن بیستم برای بشر به رسمیت شناخته است، در مقایسه با منشور حکومتی مالک اشتر نوعی سازگاری وجود دارد، بلکه برتری دیدگاه حقوق بشری در منشور حکومتی نسبت به دیدگاه رایج حقوق بشر را نمایان می‌کند. همان‌طور که مشاهده می‌گردد، هیچ کدام از پژوهش‌های موجود بر بر وصف آمره و عام‌الشمول بودن حقوق بنیادین بشر و تبیین تطبیقی آن در

در این زمینه می‌تواند افق‌های تازه‌ای را برای تلاقی دو نظام حقوقی بین‌المللی و اسلامی بگشاید. چنین مطالعه‌ای، نه تنها به درک بهتر از جایگاه حقوق بنیادین بشر در هر دو نظام کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به انسجام نظری و تقویت ظرفیت‌های هنجاری آنها در مواجهه با چالش‌های نوظهور جهانی یاری رساند. به‌ویژه در جهانی که با بحران‌هایی چون مخاصمات مسلحانه، مهاجرت گسترده، تغییرات اقلیمی و ظهور رژیم‌های اقتدارگرا مواجه است، بازشناسی حدود و ثغور این حقوق و الزامات ناشی از آن، ضرورتی انکارناپذیر است. در نهایت، طرح این پرسش در پرتو مفاهیم آمره و عام‌الشمول، فرصتی برای بازاندیشی در مورد مرزهای حقوق و اخلاق، قرارداد و الزام، فرد و جامعه، دین و دولت، و بومی‌سازی یا جهان‌شمولی هنجارها فراهم می‌سازد. این امکان‌سنجی می‌طلبد که با نگاهی جامع، عمیق و میان‌رشته‌ای، از منابع فقهی، قواعد عرفی، اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی بهره گرفته شود تا بتوان به پاسخی روشن، مستدل و راهگشا دست یافت. بر این اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر چنین نگاهی، در پی واکاوی ابعاد نظری و ساختاری حقوق بنیادین بشر، و نسبت آن با قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در دو نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی خواهد بود. در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به مقاله حنیف و جلالی تحت عنوان «لزوم بازخوانی مفهوم حقوق بنیادین بشر به عنوان قاعده آمره بین‌المللی» اشاره داشت. از نظر نویسندگان، «یکی از منابع معتبر حقوق بین‌الملل عمومی قاعده آمره است؛ قاعده ای که توسط ماده ۵۳ عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات معرفی گردیده که جامعه بین‌المللی دولتها، در کل

## ۵-۱. مفهوم حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی

حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی به دسته‌ای از حقوق اطلاق می‌شود که از جایگاهی ویژه و برتر در میان سایر حقوق برخوردارند و به‌عنوان هسته مرکزی نظام حمایت از کرامت انسان تلقی می‌شوند. این حقوق نه تنها برای تمامی افراد انسانی، صرف‌نظر از تابعیت، دین، نژاد یا جنسیت، به رسمیت شناخته شده‌اند، بلکه به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که در هیچ‌یک از شرایط استثنایی یا اضطراری، نظیر جنگ، بلایای طبیعی یا تهدیدهای امنیتی، قابل تعلیق نباشند (Nowak, 2005, 78). اسناد بین‌المللی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۴ به صراحت بر غیرقابل تعلیق بودن این دسته از حقوق تأکید می‌ورزند (Tomuschat, 2008, 159). از همین رو، حقوق بنیادین در سلسله‌مراتب منابع حقوق بین‌الملل، جایگاهی برتر دارند (Bianchi, 2008, 495; Orakhelashvili, 2006, 76).

مبانی فلسفی حقوق بنیادین بشر در نظام بین‌المللی، پیوندی وثیق با ایده‌های دوران روشنگری، عقل‌گرایی و انسان‌محوری دارد. تأکید بر حیثیت ذاتی انسان، استقلال فردی و برابری فطری انسان‌ها از جمله اصولی است که به‌ویژه در اندیشه فیلسوفانی چون کانت و لاک بنیان‌گذاری شده است. کانت با طرح اصل «غایت بودن انسان» معتقد بود که انسان هرگز نباید صرفاً به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگران مورد استفاده قرار گیرد، بلکه همواره باید به‌مثابه غایتی در خود نگریسته شود (Kant, 1996, 36). این تلقی، به‌ویژه در اصول بنیادین

نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی تمرکز ندارد که همین امر نوآوری و جنبه جدید بودن پژوهش حاضر محسوب می‌گردد.

## ۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## ۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که یکی از بنیادین‌ترین وجوه اشتراک حقوق بنیادین بشر در هر دو نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی، الزام‌آوری مطلق و غیرقابل تخطی بودن حقوق بنیادین بشر است. در نظام حقوق بین‌الملل، این حقوق در قالب قواعد آمره به‌گونه‌ای تعریف شده‌اند که هیچ توافق بین‌المللی نمی‌تواند آن‌ها را نقض یا تعلیق کند و تمامی دولت‌ها ملزم به احترام و رعایت آن‌ها هستند، حتی در شرایط اضطراری یا جنگ. این الزام‌آوری در نظام حقوق بشر اسلامی نیز مبتنی بر نصوص قطعی قرآن و سنت و اصول فقهی محکم است که حفظ کرامت انسانی و حقوق اساسی را واجب و غیرقابل تعطیل می‌داند.

## ۵. بحث

در این قسمت ابتدا به تبیین مفهوم حقوق بنیادین بشر و مبانی آن پرداخته خواهد شد.

بشر در اسلام معرفی می‌کند. در نظام اسلامی، مفهوم «حق» با «تکلیف» همبسته است و این نکته تمایزی مهم با نظام بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق بنیادین در اسلام، نه تنها امتیازاتی برای افراد، بلکه مسئولیت‌هایی نیز در قبال دیگران، جامعه و خداوند ایجاد می‌کنند. برای نمونه، حق حیات نه تنها به عنوان حقی فردی مورد توجه است، بلکه حفظ آن بر دیگران نیز واجب شمرده شده است (Sachedina, 2009, 87).

مبانی حقوق بنیادین در اسلام، در اصولی همچون «العدل أساس الحکم»، «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام» و «الناس سواسیة كأسنان المشط» ریشه دارند. این اصول به ترتیب بر عدالت، نفی ضرر، و برابری انسان‌ها تأکید دارند و نقش بنیادینی در استخراج قواعد فقهی ناظر به حقوق بشر ایفا می‌کنند. در همین راستا، فقیهان برجسته‌ای چون علامه طباطبایی و شهید صدر نیز تأکید کرده‌اند که عدالت و کرامت انسانی، مقاصد نهایی شریعت اسلامی‌اند (صدر، ۱۳۸۰، ۲۴۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ۳۸۰). یکی از ویژگی‌های مهم حقوق بشر در اسلام، پیوند آن با فطرت انسانی است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، فطرت، به عنوان یک قوه ادراکی درونی، انسان را به خیر، عدالت و کرامت رهنمون می‌سازد (Kamali, 2002, 49-50). این مبنا، سبب می‌شود که حقوق بنیادین، نه امری قراردادی، بلکه امری تکوینی و جهان‌شمول تلقی شوند؛ حتی اگر در مواردی اجرای آن با قیود دینی یا فرهنگی مواجه شود. همچنین، اجتهاد به عنوان منبع پویای فقه اسلامی، امکان تفسیر نوین و بازنگری مستمر در حوزه حقوق بشر اسلامی را فراهم می‌آورد. با استفاده

نظام حقوق بشر بازتاب یافته است، چنان‌که کرامت انسانی، بنیان تمامی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال حقوق بشر محسوب می‌شود (Donnelly, 2003, 12). علاوه بر آن، برخی دیدگاه‌های پسااستعماری نیز در شکل‌گیری مفهوم امروزی حقوق بنیادین بشر تأثیرگذار بوده‌اند. این جریان‌ها با تأکید بر جهان‌شمولی حقوق بشر، خواستار شناسایی حقوقی فرافرهنگی شدند که هم در نظام‌های حقوقی غربی و هم در نظام‌های غیرغربی معتبر باشند (Mutua, 2002, 52). در عین حال، چالش‌هایی نیز از جانب نظریه‌پردازانی که به نسبی‌گرایی فرهنگی باور دارند، متوجه جهانی بودن مبانی حقوق بشر شده است (Renteln, 1990, 110) با این حال، قواعد امره از منظر نظام بین‌المللی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که از اجماع گسترده‌ای میان دولت‌ها و نظام‌های حقوقی مختلف برخوردار باشند.

## ۵-۲. مفهوم حقوق بنیادین بشر در حقوق بشر اسلامی

حقوق بنیادین بشر در اسلام مفهومی استوار بر کرامت ذاتی انسان، اراده الهی و عدالت اجتماعی است. برخلاف برخی برداشت‌های متأخر که اسلام را صرفاً مجموعه‌ای از احکام عبادی می‌دانند، متون اصیل اسلامی همچون قرآن کریم و سنت پیامبر(ص)، حقوق ذاتی و تغییرناپذیری را برای انسان به رسمیت شناخته‌اند که نه وابسته به تابعیت‌اند و نه محدود به دین و مذهب خاص. این حقوق، برخاسته از فطرت انسانی و متکی بر خلافت انسان در زمین‌اند؛ جایگاهی که قرآن در آیاتی چون «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (الإسراء، ۷۰) بر آن تأکید می‌گذارد و کرامت انسانی را به عنوان بنیان حقوق

حقوق با هم برابرند. «کمیتة حقوق بشر سازمان ملل نیز در تفسیر عمومی شماره ۱۸ اعلام کرده است که جهان‌شمولی به معنای نفی هرگونه تبعیض در دسترسی به این حقوق است (UN Human Rights Committee, 1989, para. 6).

دومین ویژگی، غیرقابل سلب بودن یا عدم قابلیت صرف‌نظر از این حقوق است. به این معنا که حقوق بنیادین بشر اصولی غیرقابل واگذاری و انکار هستند و حتی خود افراد نیز نمی‌توانند به صورت داوطلبانه از آن‌ها صرف‌نظر کنند. به عنوان مثال، حق حیات، منع شکنجه و بردگی از جمله حقوقی هستند که در زمره این دسته قرار می‌گیرند (Nowak, 2005, 45). این ویژگی موجب شده که این حقوق در شرایط اضطراری نیز تنها در مواردی بسیار محدود و مشخص قابلیت تحدید داشته باشند؛ و برخی از آن‌ها اساساً غیرقابل تعلیق تلقی می‌شوند.

سومین ویژگی این حقوق، فراملی بودن آن‌هاست. برخلاف حقوقی که تنها در حوزه صلاحیت سرزمینی دولت‌ها اعمال می‌شوند، حقوق بنیادین بشر ماهیتی جهانی دارند و دولت‌ها را حتی در حوزه‌هایی فراتر از مرزهای خود ملزم می‌سازند. به همین دلیل است که نهادهای بین‌المللی مانند شورای حقوق بشر و دادگاه‌های بین‌المللی، امکان نظارت و مداخله در موارد نقض گسترده حقوق بشر در سایر کشورها را دارند (Buergenthal, Shelton, & Stewart, 2009, 152).

ویژگی چهارم، الزام‌آوری فراتر از اراده دولت‌هاست. حقوق بنیادین بشر صرف‌نظر از عضویت یا عدم عضویت کشورها در معاهدات بین‌المللی، به دلیل طبیعت عرفی یا آمره خود، الزام‌آور هستند. این

از قواعدی مانند «تغییر احکام به حسب زمان و مکان» و «مصلح مرسله»، فقیهان معاصر تلاش کرده‌اند تا قرائت‌های به‌روز و عقل‌پسندی از حقوق بنیادین ارائه دهند (القرضاوی، ۱۹۹۵، ۳۱؛ فضل‌الله، ۱۴۲۸، ۵۴). در مجموع، حقوق بنیادین بشر در اسلام بر پایه کرامت، عدالت، فطرت و اراده الهی بنا شده‌اند و به‌رغم تفاوت‌های مفهومی و ساختاری با نظام بین‌المللی، واجد ظرفیت‌های قابل توجهی برای تأمین آزادی‌ها و کرامت انسانی در جامعه معاصر هستند.

### ۳-۵. ویژگی‌های حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر بین‌المللی

در نظام حقوق بشر بین‌المللی، حقوق بنیادین بشر جایگاهی ریشه‌ای، تغییرناپذیر و فرازمانی دارند. این دسته از حقوق، اصولی هستند که بر پایه کرامت ذاتی انسان استوارند و به واسطه‌ی آن، به عنوان هنجارهایی فراتر از اراده دولت‌ها شناخته می‌شوند. اگرچه تعریف جامعی که همه نظام‌های حقوقی و فرهنگی بر آن اتفاق نظر داشته باشند دشوار است، اما در اسناد بنیادینی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و نظرات تفسیری نهادهای بین‌المللی، ویژگی‌های مشخصی برای این حقوق ترسیم شده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حقوق بنیادین بشر در نظام بین‌المللی، جهان‌شمولی آن‌هاست. بر اساس این ویژگی، این حقوق به تمامی افراد بشر، صرف‌نظر از نژاد، مذهب، زبان، ملیت یا سایر خصوصیات فردی یا جمعی تعلق دارد. ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت تأکید می‌کند که «همه افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و

در نظام حقوق بشر اسلامی، حقوق بنیادین بشر نه بر مبنای اراده بشر یا قراردادهای اجتماعی، بلکه بر پایه اراده الهی و شریعت اسلامی شکل گرفته‌اند. این حقوق، جلوه‌ای از کرامت انسان و مسؤولیت او در برابر خداوند هستند و برخلاف نظام سکولار، در بستر دینی و الهی خود معنا می‌یابند. با این حال، در اصول کلی و اهداف بنیادین، اشتراکاتی با نظام بین‌المللی حقوق بشر دارند. ویژگی‌های خاص این حقوق در نظام اسلامی، در قالب مفاهیم فقهی، اخلاقی و الهیاتی تبیین شده است. نخستین و مهم‌ترین ویژگی حقوق بنیادین بشر در اسلام، الهی بودن منشأ آن‌ها است. این حقوق از دیدگاه اسلامی ریشه در آفرینش انسان و خلافت او بر زمین دارند. آیه «و لقد کرمنا بنی آدم» (الإسراء: ۷۰) گویای این است که کرامت ذاتی انسان، اساس اعطای حقوق به او در اسلام است. این منشأ الهی باعث می‌شود که این حقوق از تغییرپذیری‌های عرفی و قراردادهای بشری مستقل باشند و شأنی فراتر از اراده دولت‌ها یا اکثریت مردم داشته باشند (الضیاء، ۲۰۰۵، ۵۲).

ویژگی دوم، هم‌زمانی حق و تکلیف است. برخلاف بسیاری از اسناد بین‌المللی که حقوق بشر را بدون ارجاع صریح به تکالیف افراد مطرح می‌کنند، در شریعت اسلامی، هر حقی با تکلیفی توأم است. مثلاً حق حیات مستلزم حرمت قتل نفس و مسؤولیت در قبال حفظ جان دیگران است (الزحیلی، ۱۹۹۸، ۹۵). از این دیدگاه، حقوق بشر اسلامی سازوکاری تعاملی بین حق‌مندی فرد و مسؤولیت اخلاقی و شرعی او در قبال خدا، جامعه و سایر انسان‌ها را مطرح می‌کند.

سومین ویژگی، اصالت جمع‌گرایی در کنار فردگرایی است. نظام اسلامی در کنار احترام به فرد و کرامت

ویژگی موجب شده برخی از حقوق، مانند ممنوعیت شکنجه یا نسل‌کشی، حتی بر دولت‌هایی که به هیچ معاهده‌ای نپیوسته‌اند نیز تحمیل گردد (Cassese, 2005, 140-141).

ویژگی دیگر، همبستگی و تفکیک‌ناپذیری این حقوق است. بر اساس این اصل که نخستین بار در اعلامیه وین ۱۹۹۳ مورد تأکید قرار گرفت، حقوق مدنی و سیاسی از یک سو، و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر، باید به صورت متوازن، هم‌زمان و در کنار یکدیگر رعایت شوند (World Conference on Human Rights, 1993, 5). این دیدگاه، نگرش سلسله‌مراتبی به حقوق بشر را رد می‌کند و بر جامع‌نگری و وحدت‌گرایی تأکید دارد. در نهایت، نظارت‌پذیری بین‌المللی نیز از دیگر ویژگی‌های مهم حقوق بنیادین بشر در نظام بین‌المللی است. سازوکارهایی همچون گزارش‌گیری دوره‌ای، مکانیسم شکایات فردی، بازدیدهای میدانی و دادرسی‌های بین‌المللی، بخشی از این نظارت‌اند که مشروعیت و اثربخشی اجرای این حقوق را تقویت می‌کنند (Alston & Goodman, 2013, 356-359). در مجموع، ویژگی‌های حقوق بنیادین بشر در نظام بین‌المللی نشان از آن دارند که این حقوق نه صرفاً یک تعهد قراردادی، بلکه بخشی از ساختار هنجاری نظم بین‌المللی معاصر محسوب می‌شوند؛ هنجارهایی که هدف آن‌ها صیانت از کرامت انسان، به عنوان غایت حقوق، است.

#### ۴-۵. ویژگی‌های حقوق بنیادین بشر در حقوق بشر اسلامی

انسان‌ها در اصل حق‌مندی، یک اصل قطعی است، گرچه مصادیق آن ممکن است بسته به فقه مذاهب متفاوت باشد. در مجموع، حقوق بنیادین بشر در نظام حقوق بشر اسلامی، بر پایه ساختاری توحیدی، اخلاق محور و شریعت‌مدار شکل گرفته‌اند. این حقوق ضمن دارا بودن ویژگی‌هایی مشترک با نظام بین‌المللی، دارای خصایص منحصر به فردی هستند که از بستر اعتقادی و فرهنگی خاص جهان اسلام ناشی می‌شود.

#### ۵-۵. مفهوم و ویژگی‌های قواعد آمره

قواعد آمره از بنیادی‌ترین مفاهیم در نظام حقوق بین‌الملل هستند که به عنوان اصولی غیرقابل تخطی و برتر از سایر قواعد حقوقی شناخته می‌شوند. مطابق ماده ۵۳ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات (۱۹۶۹)، قاعده آمره قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل عام است که جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل، آن را به عنوان قاعده‌ای می‌شناسد که انحراف از آن مجاز نیست و تنها با قاعده‌ای هم‌سطح و مشابه می‌توان آن را نسخ کرد (United Nations, 2005, 210). یکی از ویژگی‌های اساسی قواعد آمره، برتری سلسله‌مراتبی آن‌ها بر سایر قواعد حقوق بین‌الملل است. این قواعد حتی نسبت به توافقات قراردادی دولت‌ها نیز اولویت دارند و هر معاهده‌ای که با آن‌ها مغایرت داشته باشد، باطل و بلااثر تلقی می‌شود (Orakhelashvili, 2006, 45; Bianchi, 2008, 498). مصادیق این قواعد غالباً شامل منع شکنجه، نسل‌کشی، برده‌داری و تجاوزگری است (Cassese, 2005, 140-141). ویژگی دیگر، جهان‌شمولی و تعمیم‌پذیری قواعد آمره است. برخلاف برخی اصول قراردادی که تنها میان

انسانی، بر حفظ منافع عمومی، وحدت امت و مصالح جمعی تأکید ویژه دارد. برای نمونه، آزادی بیان به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین، در صورتی مجاز است که به نظم عمومی، اخلاق اسلامی و حرمت مقدسات آسیب نرساند (أبو زهره، ۱۹۷۹، ۱۴۵). در نتیجه، این حقوق در چارچوب ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی اسلام قابل اعمال‌اند و تعادلی میان حقوق فردی و منافع عمومی برقرار می‌شود.

چهارمین ویژگی، محدودیت در چهارچوب شریعت است. برخلاف جهان‌شمولی مطلق در نظام بین‌المللی، در اسلام حقوق بشر دارای مرزهایی است که از قواعد شریعت ناشی می‌شود. به عبارت دیگر، هیچ حقی در اسلام مطلق نیست، بلکه در چارچوب حلال و حرام شرعی معنا پیدا می‌کند. این ویژگی در اسناد بین‌المللی اسلامی مانند «اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام (۱۹۹۰)» نیز مورد تأکید قرار گرفته است: «تمامی حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه، مشروط به احکام شریعت اسلامی‌اند»

پنجمین ویژگی، پیوستگی با مقاصد شریعت (مقاصد الشریعة) است. در فقه اسلامی، حقوق بشر به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف پنج‌گانه شریعت شامل حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال در نظر گرفته می‌شود (الشاطبی، ۲۰۰۵، ۲۶۶). این ویژگی باعث می‌شود که تفسیر و اجرای این حقوق، بر اساس اصولی ثابت اما قابل اجتهاد در شرایط متغیر باشد. در نهایت، تأکید بر عدالت و مساوات به‌عنوان مبنای عملی حقوق بشر اسلامی نیز حائز اهمیت است. قرآن در آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (الحجرات: ۱۳) ملاک برتری را تقوا معرفی می‌کند، نه نژاد، قومیت یا ثروت. به همین دلیل، در اندیشه اسلامی، برابری

Crawford, 2013, 596). برای نمونه، نقض منع شکنجه یا برده‌داری نه‌تنها برای دولت ناقض مسئولیت ایجاد می‌کند بلکه سایر دولت‌ها نیز نمی‌توانند با استناد به قاعده سکوت یا اصل عدم مداخله، بی‌طرف بمانند (Simma & Alston, 1988, 103).

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا حقوق مخاصمات مسلحانه، قواعد آمره نقش متمایزی دارند. اصول بنیادینی چون ممنوعیت نسل‌کشی، جنایات جنگی، و استفاده غیرقانونی از زور، در چارچوب قواعد آمره تثبیت شده‌اند و حتی در شرایط جنگی نیز قابل عدول نیستند (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005, 31; Meron, 1987, 23). دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه تأکید کرد که ممنوعیت توسل به زور یک قاعده آمره است که دولت‌ها حتی با توافق دوجانبه نیز نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند (ICJ, 1986, 190).

در حقوق معاهدات، ماده ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ به صراحت بیان می‌دارد که هر معاهده‌ای که مغایر با قواعد آمره باشد، باطل و بی‌اثر است. این اصل نه‌تنها برای صیانت از نظم عمومی بین‌المللی وضع شده بلکه حاوی سازوکاری برای مقابله با توافق‌هایی است که ناقض ارزش‌های بنیادین بشری‌اند، مانند قراردادهای تجاری که به برده‌داری یا تبعیض نژادی مشروعیت می‌بخشند (Sinclair, 1984, 218; Dupuy, 2000, 135). در حقوق بین‌الملل کیفری، قواعد آمره پایه‌ی مشروعیت تعقیب بین‌المللی برخی جرایم از جمله نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و شکنجه را شکل می‌دهند. این جرایم به‌واسطه تعلق به قواعد آمره، از شمول مصونیت‌های

دولت‌های طرف قرارداد الزام‌آورند، قواعد آمره نسبت به همه دولت‌ها تعهدآور هستند؛ حتی اگر آن‌ها موافقت رسمی خود را اعلام نکرده باشند (Dixon, 2013, 34). افزون بر این، قواعد آمره دارای ماهیت حفاظتی از کرامت انسانی و نظم بین‌المللی هستند. هدف اصلی این قواعد، حمایت از ارزش‌های بنیادینی چون انسانیت، صلح، و عدالت جهانی است، که سبب می‌شود در موارد نقض آن‌ها، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به‌صورت شدیدتری اعمال شود.

## ۵-۶. آثار قواعد آمره

قواعد آمره به‌عنوان برترین سطوح قواعد حقوق بین‌الملل عمومی، تأثیرات گسترده‌ای بر ابعاد گوناگون این نظام حقوقی دارند. ویژگی‌هایی چون غیرقابل عدول بودن، برتری بر دیگر قواعد عرفی یا معاهده‌ای، و اعتبار جهان‌شمول، موجب شده تا آثار آن‌ها نه‌فقط در روابط دیپلماتیک یا در حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی، بلکه در حوزه‌هایی مانند حقوق مسئولیت بین‌المللی، حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق معاهدات، حقوق بین‌الملل کیفری، و حقوق بشر بین‌المللی نیز به‌وضوح قابل مشاهده باشد (Bianchi, 2008, 498; Orakhelashvili, 2006, 53; Cassese, 2005, 203; Dupuy, 2000, p. 128).

در حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، قواعد آمره نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. براساس ماده ۴۰ و ۴۱ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها، نقض قواعد آمره، مسئولیتی خاص و مضاعف برای دولت‌ها ایجاد می‌کند و همه دولت‌ها را موظف به واکنش یا عدم شناسایی آثار ناشی از آن نقض می‌سازد (ILC, 2001, 40-41).

با ذات قواعد آمره که به دنبال ایجاد وحدت ارزش‌ها در سطح بین‌المللی است، کاملاً همخوانی دارد.

دوم، عدم قابلیت تعلیق حقوق بنیادین بشر حتی در شرایط اضطراری مانند جنگ یا وضعیت فوق‌العاده است. این امر که در ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده، یکی از شاخص‌های اصلی قواعد آمره محسوب می‌شود (Tomuschat, 2008, 160). عدم امکان تعلیق نشان‌دهنده اهمیت و اولویت این حقوق در ساختار حقوق بین‌الملل است. ویژگی سوم، ماهیت حفاظتی و کرامت‌محور حقوق بنیادین است. این حقوق پاسدار کرامت انسانی و حیات فردی‌اند و نقض آن‌ها به‌عنوان تهدیدی جدی علیه نظم و ارزش‌های بنیادین بین‌المللی تلقی می‌شود (Bianchi, 2008, 495; Cassese, 2005, 142). از این منظر، رعایت این حقوق برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است. علاوه بر این، قواعد آمره، مانند حقوق بنیادین، از الزام‌آوری جهانی برخوردارند؛ به طوری که همه دولت‌ها ملزم به رعایت آن‌ها هستند و هیچ دولتی نمی‌تواند با هیچ قرارداد یا اقدام حقوقی، این قواعد را نقض یا دور بزند (Dixon, 2013, 35). در نهایت، ادبیات حقوقی و رویه‌های بین‌المللی به وضوح نشان داده‌اند که حقوق بنیادین بشر، به دلیل ویژگی‌های ممتاز خود، در قالب قواعد آمره پذیرفته شده‌اند و به‌عنوان هسته سخت حقوق بین‌الملل، تضمین‌کننده کرامت و حقوق اساسی انسانی هستند.

#### ۵-۷-۲. نظام حقوق بشر اسلامی

در نظام حقوق بشر اسلامی، قواعدی وجود دارند که مشابه مفهوم قواعد آمره در حقوق بین‌الملل، از جایگاهی بالاتر برخوردارند و تخطی از آن‌ها غیرمجاز

رسمی و محدودیت‌های صلاحیتی خارج شده‌اند و دادگاه‌های بین‌المللی و حتی دادگاه‌های ملی در چارچوب صلاحیت جهانی می‌توانند آن‌ها را تعقیب کنند (Bassiouni, 1996, 69; Cassese, 2003, 863). در حقوق بشر بین‌المللی نیز قواعد آمره مبنایی برای شناسایی آن دسته از حقوقی‌اند که همگان صرف‌نظر از تابعیت، مذهب یا وضعیت سیاسی باید از آن‌ها برخوردار باشند. منع شکنجه، برده‌داری و تبعیض نژادی، از جمله این حقوق‌اند که در قالب قواعد آمره، در برابر هر نوع توافق یا اقدام دولت‌ها مصون هستند (Nowak, 2005, 229; Rosas, 1992, 119). در مجموع، قواعد آمره به‌مثابه قواعد پایه‌گذار نظم حقوقی بین‌المللی، در تمامی حوزه‌های اصلی این نظام اثرگذارند و تضمینی بر پایداری دولت‌ها به ارزش‌های بنیادین انسانی فراهم می‌آورند.

#### ۵-۷. وصف آمره حقوق بنیادین بشر

در این قسمت به تبیین وصف آمره حقوق بنیادین بشر در چارچوب نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی به تفکیک پرداخته خواهد شد.

#### ۵-۷-۱. نظام حقوق بشر بین‌المللی

با توجه به ویژگی‌های حقوق بنیادین بشر، می‌توان آن‌ها را به‌عنوان مصادیقی برجسته از قواعد آمره به‌شمار آورد. اولین ویژگی حقوق بنیادین بشر، جهان‌شمولی و فراگیر بودن آن‌هاست که بر همه انسان‌ها بدون استثناء، صرف‌نظر از مذهب، نژاد، تابعیت یا جنسیت، قابل اعمال است (Nowak, 2005, 98; Donnelly, 2003, 15). این ویژگی

۱۴۲۶، ج ۲، ۴۳). بنابراین، با توجه به این ویژگی‌ها، می‌توان حقوق بنیادین بشر را در حقوق بشر اسلامی نیز به عنوان یکی از مصادیق قواعد آمره دانست که تخطی از آن‌ها غیرقابل پذیرش و مغایر با فلسفه و ساختار این نظام حقوقی است.

#### ۵-۸. مفهوم و ویژگی‌های تعهدات عام‌الشمول

تعهدات عام‌الشمول یکی از مفاهیم کلیدی در نظام حقوق بین‌الملل است که به تعهداتی گفته می‌شود که متوجه همه اعضای جامعه بین‌المللی بوده و همه دولت‌ها حق دارند نسبت به نقض آن‌ها واکنش نشان دهند (Barcelona Traction, 1970, para. 33). این تعهدات فراتر از روابط دو یا چندجانبه بوده و ماهیتی جمعی و فراگیر دارند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تعهدات عام‌الشمول، الزام‌آوری جهانی آن‌هاست؛ به این معنا که تمامی دولت‌ها ملزم به رعایت این تعهدات هستند و هیچ دولتی نمی‌تواند با توسل به معاهدات یا توافقات دو یا چندجانبه، خود را از مسئولیت در قبال آن‌ها معاف کند (Orakhelashvili, 2006, 65; Crawford, 2013, 475). این الزام‌آوری نشان‌دهنده اهمیت این تعهدات در حفظ نظم و عدالت بین‌المللی است. ویژگی دیگر، قابلیت پیگیری و واکنش همه اعضای جامعه بین‌المللی به نقض آن‌ها است. برخلاف تعهدات عادی که تنها طرفین قرارداد می‌توانند ادعای نقض کنند، در تعهدات عام‌الشمول، هر دولت یا حتی سازمان بین‌المللی می‌تواند علیه ناقض به اقدامات قانونی و دیپلماتیک مبادرت ورزد (Bianchi, 2008, 512). این خصوصیت، مؤید نقش کلیدی تعهدات عام‌الشمول در محافظت از ارزش‌های بنیادین است. همچنین، این تعهدات

است. این قواعد، مبتنی بر نصوص قطعی شرعی و مبانی فلسفی اسلام، تضمین‌کننده حفظ کرامت و حقوق بنیادین انسان هستند (القرطبی، ۱۴۲۴، ۲۲۰؛ الصابونی، ۲۰۰۶، ۷۵). به این ترتیب، می‌توان حقوق بنیادین بشر را در چارچوب حقوق بشر اسلامی نیز به عنوان مصداق قواعد آمره تلقی کرد. اولین ویژگی مشترک، الهی بودن منشأ و لزوم رعایت این حقوق است. در اسلام، حقوق بنیادین بشر مانند حق حیات، کرامت انسانی و آزادی از ظلم، از احکام قطعی و لازم‌الاتباع خداوندی سرچشمه می‌گیرند که هیچ‌گونه تخطی از آن‌ها مجاز نیست (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۱، ۱۱۰). این موضوع مشابه ماهیت الزام‌آور قواعد آمره در حقوق بین‌الملل است.

ویژگی دوم، عدم قابلیت تعلیق و نسخ حقوق بنیادین در هیچ شرایطی است. اسلام به صراحت در متون شرعی و فقهی، حقوقی را که تحت هیچ عنوانی نمی‌توان از آن‌ها صرف‌نظر کرد، معرفی کرده است. این حقوق، به عنوان ضمانت‌های کرامت انسان، حتی در شرایط بحرانی مانند جنگ یا فتنه نیز قابل لغو نیستند (الزرقا، ۱۴۰۳، ۸۸). همچنین، حقوق بنیادین بشر در نظام اسلامی دارای عمومیت و فراگیری نسبت به همه انسان‌ها، بدون توجه به دین یا ملیت هستند. آیات قرآن کریم مانند «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) بیانگر کرامت ذاتی همه انسان‌ها است که در فقه اسلامی نیز مبنای حقوقی قوی یافته است (مطهری، ۱۳۸۷، ۱۰۱). در نهایت، فقه اسلامی با تکیه بر اصولی چون عدالت، حفظ نظام و نفی ضرر، حقوق بنیادین بشر را به عنوان قواعدی آمره در چارچوب دین تعریف می‌کند که رعایت آن‌ها برای همه مکلفان لازم و ضروری است (الزحیلی،

بودن این تعهدات است؛ به طوری که دولت‌ها نمی‌توانند به بهانه‌های داخلی یا توافقات دوجانبه، خود را از مسئولیت ناشی از نقض تعهدات عام‌الشمول مبرا کنند (Bianchi, 2008, 505). این الزام‌آوری، تضمین‌کننده حفظ اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله منع نسل‌کشی و ممنوعیت شکنجه است. همچنین، تعهدات عام‌الشمول موجب تشدید مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌شوند. نقض این تعهدات نه تنها سبب مسئولیت بین‌المللی می‌شود، بلکه ممکن است منجر به تحریم‌های حقوقی و سیاسی گسترده‌تری گردد که بر حفظ امنیت و صلح بین‌المللی اثرگذار است (Cassese, 2005, 195).

در حوزه حقوق بشر، این تعهدات نقشی حیاتی در تضمین کرامت و حقوق اساسی انسان ایفا می‌کنند. به عنوان مثال، حق جلوگیری از شکنجه و نسل‌کشی، که از مصادیق تعهدات عام‌الشمول هستند، برای همه دولت‌ها الزام‌آور بوده و اجرای آن‌ها تحت نظارت جامعه بین‌المللی قرار دارد (Benedek, 2007, 76). در نهایت، تعهدات عام‌الشمول با تقویت جایگاه نهادهای بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه‌های حقوق بشر، موجب ارتقاء سازوکارهای نظارتی و اجرایی در نظام بین‌الملل می‌شوند (Dupuy, 2008, 263). این امر به افزایش کارآمدی نظام حقوق بین‌الملل و حفظ ثبات جهانی کمک می‌کند. افزون بر این، تعهدات عام‌الشمول از منظر نظری نیز تحولی اساسی در مفهوم سنتی حاکمیت دولت‌ها ایجاد می‌کنند. این تعهدات نشان می‌دهند که حاکمیت مطلق و انحصاری دولت‌ها در قبال جامعه بین‌المللی محدود شده و در برابر ارزش‌های بنیادین مشترک، مانند منع بردگی یا حفظ محیط زیست جهانی، پاسخگو

معمولاً در حوزه‌هایی شکل می‌گیرند که نقض آن‌ها تهدیدی جدی برای جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود، مانند منع نسل‌کشی، منع شکنجه، و منع تجاوز (Cassese, 2005, 180). این موضوع به وضوح ارتباط تنگاتنگ تعهدات عام‌الشمول با حقوق بنیادین بشر را نشان می‌دهد. در نهایت، تعهدات عام‌الشمول از طریق نهادهای قضایی بین‌المللی، مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، و سازوکارهای حقوقی مورد حمایت و اجرای جدی قرار می‌گیرند که این امر موجب تقویت مشروعیت و ضمانت اجرایی آن‌ها شده است (Dupuy, 2008, 255).

#### ۵-۹. آثار تعهدات عام‌الشمول

تعهدات عام‌الشمول در نظام حقوق بین‌الملل به تعهداتی اطلاق می‌شود که متوجه همه اعضای جامعه بین‌المللی بوده و رعایت آن‌ها الزامی است. آثار این تعهدات در زمینه‌های مختلف حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق مسئولیت بین‌المللی، حقوق بشر، و حفظ نظم بین‌المللی بسیار مهم و تعیین‌کننده است (Orakhelashvili, 2006, 102).

یکی از اصلی‌ترین آثار تعهدات عام‌الشمول، ایجاد حق شکایت برای همه اعضای جامعه بین‌المللی است. برخلاف تعهدات عادی که تنها طرف‌های قرارداد حق پیگیری نقض را دارند، در این تعهدات هر دولتی می‌تواند به عنوان مدعی علیه ناقض اقدام کند (Crawford, 2013, 489). این ویژگی باعث می‌شود که نقض این تعهدات دارای آثار فرامرزی بوده و جامعه بین‌المللی نسبت به آن واکنش نشان دهد. اثر دیگر، الزام‌آوری مطلق و غیرقابل تخطی

تعلیق، مشخصه‌ای بارز تعهدات عام‌الشمول نیز می‌باشد که به موجب آن دولت‌ها نمی‌توانند از مسئولیت خود شانه خالی کنند. علاوه بر این، حقوق بنیادین بشر به دلیل ارتباط مستقیم با حفظ کرامت انسانی و نظم عمومی بین‌المللی، به عنوان مبنایی اساسی برای برقراری صلح و عدالت جهانی مطرح شده‌اند (Cassese, Bianchi, 2008, 495; Dixon, 2013, 35). این ارتباط عمیق با ارزش‌های بنیادین جامعه جهانی، ضرورت رعایت و پیگیری جهانی این حقوق را تبیین می‌کند. نهایتاً، تعهدات عام‌الشمول به همه دولت‌ها اجازه می‌دهد تا نسبت به نقض این حقوق وارد عمل شده و حتی خارج از چارچوب‌های قراردادی، مسئولیت مدنی و کیفری را برای ناقضان قائل شوند (Dixon, 2013, 35). این گستردگی واکنش‌های قانونی و سیاسی نشان‌دهنده اهمیت بالای حقوق بنیادین بشر در نظام بین‌الملل است. بنابراین، با توجه به این ویژگی‌ها، می‌توان حقوق بنیادین بشر را به عنوان یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین مصادیق تعهدات عام‌الشمول در نظام حقوق بشر بین‌المللی قلمداد کرد که رعایت آن‌ها برای حفظ انسجام و عدالت در جامعه جهانی ضروری است.

#### ۵-۱۰-۲. در نظام حقوق بشر اسلامی

در نظام حقوق بشر اسلامی، مفهوم تعهدات عام‌الشمول با توجه به اصول کلی شریعت و فقه اسلامی به‌ویژه قواعد قطعی و لازم‌الاتباع قابل بررسی است. تعهداتی که منشأ الهی داشته و تمامی مکلفان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، ملزم به رعایت آن‌ها هستند، ویژگی‌های مشترکی با مفهوم تعهدات عام‌الشمول در حقوق بین‌الملل دارند (ابن قدامه،

هستند. بنابراین، نقض این تعهدات دیگر صرفاً یک تخلف دوجانبه تلقی نمی‌شود، بلکه نوعی تهدید علیه نظم عمومی بین‌المللی به شمار می‌آید. این امر موجب می‌شود که اجرای تعهدات عام‌الشمول نه تنها به روابط میان دولت‌ها بلکه به انسجام کل نظام بین‌الملل پیوند بخورد و از این رهگذر، بنیانی برای همبستگی جهانی و عدالت بین‌المللی فراهم آید.

#### ۵-۱۰-۱. وصف عام‌الشمول حقوق بنیادین بشر

در این قسمت به وصف عام‌الشمول بودن حقوق بنیادین بشر و تعهدات ناشی از آن در نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی به تفکیک پرداخته خواهد شد.

#### ۵-۱۰-۱. در نظام حقوق بشر بین‌المللی

با توجه به ویژگی‌های خاص حقوق بنیادین بشر، این حقوق به عنوان یکی از برجسته‌ترین مصادیق تعهدات عام‌الشمول در نظام حقوق بشر بین‌المللی شناخته شده‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل این تطابق، جهان‌شمولی حقوق بنیادین بشر است؛ حقوقی که به همه انسان‌ها بدون هیچ استثنایی تعلق دارند و ملاک تفکیک دین، ملیت، جنسیت یا هر معیار دیگری نیست (Donnelly, Nowak, 2005, 98; Tomuschat, 2008, 160). این ویژگی با ماهیت تعهدات عام‌الشمول که الزام‌آور برای همه اعضای جامعه بین‌المللی هستند، کاملاً سازگار است. دومین ویژگی مهم، ماهیت غیرقابل تخطی و غیرقابل تعلیق حقوق بنیادین است که به موجب اسناد کلیدی بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حتی در شرایط اضطراری نیز قابل تعلیق نیستند (Tomuschat, 2008, 160). این عدم قابلیت

## ۶. نتیجه

حقوق بنیادین بشر به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین حقوق انسانی، در نظام‌های حقوقی معاصر به ویژه نظام حقوق بشر بین‌المللی و نظام حقوق بشر اسلامی جایگاهی ویژه یافته‌اند که فراتر از حقوق عادی و قراردادی، واجد ویژگی‌هایی هستند که آن‌ها را به مصادیق قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول تبدیل می‌کند. این ویژگی‌ها، هم در مبانی فقهی و الهی نظام اسلامی و هم در اسناد و رویه‌های بین‌المللی حقوق بشر، به صراحت قابل مشاهده است و اهمیت این حقوق را در حفظ کرامت و ارزش ذاتی انسان و همچنین تأمین عدالت اجتماعی و نظم بین‌المللی نشان می‌دهد.

یکی از بنیادین‌ترین وجوه اشتراک در هر دو نظام، الزام‌آوری مطلق و غیرقابل تخطی بودن حقوق بنیادین بشر است. در نظام حقوق بین‌الملل، این حقوق در قالب قواعد آمره به گونه‌ای تعریف شده‌اند که هیچ توافق بین‌المللی نمی‌تواند آن‌ها را نقض یا تعلیق کند و تمامی دولت‌ها ملزم به احترام و رعایت آن‌ها هستند، حتی در شرایط اضطراری یا جنگ. این الزام‌آوری در نظام حقوق بشر اسلامی نیز مبتنی بر نصوص قطعی قرآن و سنت و اصول فقهی محکم است که حفظ کرامت انسانی و حقوق اساسی را واجب و غیرقابل تعطیل می‌داند. چنین شباهتی نشان می‌دهد که این حقوق، در هر دو نظام، در جایگاهی قرار دارند که فراتر از اراده و توافق افراد یا دولت‌ها بوده و مبنایی غیرقابل انکار برای نظم حقوقی به شمار می‌روند.

دیگر ویژگی کلیدی، ماهیت جهان‌شمول و فراگیر حقوق بنیادین بشر است که برای همه انسان‌ها،

۱۴۰۶، ج. ۱، ۱۰۸؛ القرطبی، ۱۴۲۴، ۲۲۰). بر این اساس، حقوق بنیادین بشر که در اسلام منشأ الهی و قطعی دارند، قابل شناسایی به عنوان یکی از مصادیق تعهدات عام‌الشمول در چارچوب حقوق بشر اسلامی هستند. اولین ویژگی برجسته، الزام‌آوری جهانی و فراگیر حقوق بنیادین بشر در اسلام است. این حقوق، از جمله حق حیات، کرامت انسانی و عدالت، برای همه انسان‌ها، بدون هیچ تبعیضی، واجب است و هیچ فرد یا نهادی نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد (الزحیلی، ۱۴۲۶، ج. ۲، ۴۵) این ویژگی مشابه الزام‌آوری تعهدات عام‌الشمول است که همگان را به رعایت آن‌ها ملزم می‌کند. دوم، عدم قابلیت نقض یا تعلیق این حقوق حتی در شرایط اضطراری می‌باشد. اسلام تأکید دارد که حفظ کرامت انسانی و حقوق اصلی، تحت هیچ شرایطی قابل خدشه نیستند و بر اساس نصوص قطعی قرآن و سنت، تخطی از آن‌ها جایز نیست (الصابونی، ۲۰۰۶، ۸۰). ویژگی سوم، ماهیت اخلاقی و فطری حقوق بنیادین بشر در اسلام است که مبتنی بر کرامت ذاتی انسان و عدالت فراگیر است (مطهری، ۱۳۸۷، ۱۰۴). این موضوع بر اهمیت رعایت این حقوق به عنوان پایه‌ای غیرقابل انکار در نظام حقوق بشر اسلامی تأکید دارد. در نهایت، سیستم فقهی اسلامی با استناد به اصولی همچون حفظ نفس، مال، دین، عقل و نسل، چارچوبی منسجم برای تعهدات عام‌الشمول ایجاد می‌کند که حقوق بنیادین بشر در آن جایگاه ویژه‌ای دارند (الزرقا، ۱۴۰۳، ۹۰). بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که حقوق بنیادین بشر در حقوق بشر اسلامی، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد و الزامات الهی آن، مصداق بارز تعهدات عام‌الشمول بوده و رعایت آن‌ها برای همه مکلفان ضروری و واجب است.

عام‌الشمول نیز به وضوح دیده می‌شود. برخلاف تعهدات عادی که محدود به طرف‌های قرارداد هستند، تعهدات عام‌الشمول الزام‌آور برای همه اعضای جامعه بین‌المللی و مکلفان شرعی در نظام اسلامی هستند و هر کس می‌تواند در برابر نقض آن‌ها واکنش قانونی و اخلاقی نشان دهد. این واکنش‌پذیری گسترده، به تقویت و صیانت از حقوق بنیادین بشر کمک شایانی می‌کند و ضمانت‌های اجرایی لازم را فراهم می‌آورد.

نکته اساسی دیگر، این است که حقوق بنیادین بشر در هر دو نظام از منبعی فراتر از اراده انسانی سرچشمه می‌گیرند. در نظام بین‌المللی، این حقوق برگرفته از ارزش‌های مشترک انسانی و تعهدات اخلاقی جهانی است که به شکل قواعد بین‌المللی لازم‌الاتباع درآمده‌اند. در نظام اسلامی نیز منشأ این حقوق نصوص صریح قرآن و سنت پیامبر و اصول فقهی قطعی است که تمامی مکلفان را به رعایت آن‌ها وامی‌دارد. این منبعیت الهی یا اخلاقی باعث می‌شود که حقوق بنیادین، همچون قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول، از قدرت تفسیر و تخطی خارج شده و به قواعدی الزام‌آور تبدیل شوند که در نظم حقوقی دارای بالاترین جایگاه هستند.

همچنین، در هر دو نظام، وجود سازوکارهای اجرایی و نظارتی مؤثر که ضمانت‌های لازم برای اجرای حقوق بنیادین بشر را فراهم می‌کند، نقش کلیدی دارد. نهادهایی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه‌های حقوق بشر، و مراجع فقهی و قضایی در نظام اسلامی، مسئولیت پایش و اجرای این حقوق را بر عهده دارند که این امر به حفظ ثبات و عدالت در جوامع مختلف کمک می‌کند.

صرف‌نظر از دین، نژاد، ملیت یا جنسیت، به رسمیت شناخته شده است. در نظام حقوق بین‌الملل، این اصل جهان‌شمولی به عنوان رکن اساسی حقوق بشر به موجب اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهدات مهمی چون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است. در نظام اسلامی نیز، اصل برابری ذاتی همه انسان‌ها و حقوق اساسی آن‌ها در فقه و اصول شریعت تأکید شده است؛ به گونه‌ای که حقوق بنیادین بشر، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، تحت حمایت و ضمانت قرار می‌گیرند. این ویژگی، تطابق حقوق بنیادین بشر با مفهوم تعهدات عام‌الشمول را تأیید می‌کند؛ زیرا تعهدات عام‌الشمول نیز الزامات حقوقی‌ای هستند که بر همه اعضای جامعه بین‌المللی و مکلفان شرعی وارد می‌شوند.

علاوه بر این، هر دو نظام بر ارتباط مستقیم حقوق بنیادین بشر با حفظ کرامت انسانی، عدالت و نظم عمومی تأکید دارند. حقوق بنیادین به عنوان ستون‌های اصلی حفظ ارزش‌های انسانی و اخلاقی شناخته شده و هرگونه نقض آن‌ها تهدیدی جدی برای ثبات اجتماعی و بین‌المللی به شمار می‌رود. این نگرش، باعث شده است که حقوق بنیادین بشر نه تنها به عنوان حقوق فردی، بلکه به عنوان موضوعاتی با اهمیت جمعی و بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند که تمام جوامع و دولت‌ها در برابر آن‌ها مسئولیت داشته باشند؛ این ویژگی باعث می‌شود که نقض این حقوق در سطح جامعه جهانی یا نظام اسلامی، نه تنها به زیان افراد خاص، بلکه به ضرر کل جامعه و نظم حقوقی آن‌ها باشد.

ویژگی دیگر، ماهیت الزام‌آور و غیرقابل صرف‌نظر بودن حقوق بنیادین بشر است که در تعهدات

در پایان، می‌توان گفت که ویژگی‌های اساسی حقوق بنیادین بشر، یعنی الزام‌آوری مطلق، جهان‌شمولی، منبعیت برتر، ماهیت جمعی و فراگیر و وجود سازوکارهای نظارتی، آن‌ها را به مصادیق بارز قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در هر دو نظام حقوق بشر بین‌المللی و اسلامی تبدیل کرده است. این جایگاه ویژه، اهمیت رعایت و تضمین حقوق بنیادین بشر را در تحقق عدالت، حفظ کرامت انسانی و ثبات نظم اجتماعی به وضوح نمایان می‌سازد و نشان‌دهنده ضرورت هم‌افزایی و تعامل هر دو نظام برای پیشبرد اهداف مشترک انسانی است.

#### ۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

#### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

- منابع
- القرطبي، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*. بيروت، دار الكتاب العلمى، ۱۴۲۴.
  - مطهرى، مرتضى، *مجموعه آثار، ج. ۲: انسان و ايمان*. تهران، صدرا، ۱۳۸۷.
  - Alston, P., & Goodman, R. *International Human Rights: The Successor to International Human Rights in Context*. Oxford, Oxford University Press, 2013.
  - Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited Case (Belgium v. Spain), ICJ Reports, Hague, ICJ Press, 1970.
  - Bassiouni, M. C. *International Crimes: Jus Cogens and Obligatio Erga Omnes*. Law and Contemporary Problems, 59(4), 63–74, 1996.
  - Benedek, W, *The Protection of Human Rights in the Context of Jus Cogens*. Human Rights Law Review, 7(1), 59–79, 2007.
  - Bianchi, A. Human Rights and the Magic of Jus Cogens. *European Journal of International Law*, 19(3), 491–508, 2008.
  - Buergenthal, T., Shelton, D., & Stewart, D. *International Human Rights in a Nutshell* (4th ed.). Hague, West Academic Publishing, 2009.
  - Cassese, A. *International Criminal Law*. Oxford, Oxford University Press, 2003.
  - ابن قدامه، محمد بن احمد، *الكافى فى فقه الإماميه*. بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۰۶.
  - أبو زهره، محمد، *حقوق الإنسان فى الإسلام*، القاهرة، دار الفكر العربى، ۱۹۷۹.
  - الزحيلي، وهبه، *أثر الحروب فى الفقه الإسلامى*، دمشق، دار الفكر، ۱۹۹۸.
  - الزحيلي، وهبه، *الفقه الإسلامى وأصوله*. بيروت، دار الوفاء، ۱۴۲۶.
  - الزرقا، محمد، *حقوق الإنسان فى الإسلام*. دمشق، دار الفكر، ۱۴۰۳.
  - الشاطبي، إبراهيم بن موسى، *الموافقات فى أصول الشريعه* (تحقيق: مشهور بن حسن آل سلمان). الرياض: دار ابن عفان، ۲۰۰۵.
  - الصابونى، عمر، *فقه حقوق الإنسان فى الإسلام*. القاهرة: دار الشروق، ۲۰۰۶.
  - صدر، محمدباقر. اقتصادنا. تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۸۰.
  - الضياء، عبد الستار، *الحقوق والحريات العامه فى الشريعه الإسلاميه*، بيروت، دارالنفائس، ۲۰۰۵.
  - طباطبايى، سيد محمدحسين، *تفسير الميزان*. قم، انتشارات اسلامى، ۱۳۷۴.
  - فضل الله، محمدحسين، *الإسلام ومنظومه حقوق الإنسان*. بيروت، دار الملاك، ۱۴۲۸.
  - القرضاوى، يوسف، *حقوق الإنسان فى الإسلام*. القاهرة، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۵.

- Internationally Wrongful Acts*, New York, UN Press, 2001.
- Kamali, M. H. *The Dignity of Man: An Islamic Perspective*. London, Islamic Texts Society, 2002.
  - Kant, I. *The Metaphysics of Morals* (M. Gregor, Trans.). Cambridge, Cambridge University Press, 1996.
  - Meron, T. *Jus Cogens and Human Rights*. *American Journal of International Law*, 80(4), 613–628, 1987.
  - Mutua, M. *Human Rights: A Political and Cultural Critique*. Pennsylvania, University of Pennsylvania Press, 2002.
  - Nowak, M. *U.N. Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary* (2nd ed.). Kehl, N.P. Engel, 2005.
  - Orakhelashvili, A. *Peremptory Norms in International Law*. Oxford, Oxford University Press, 2006.
  - Renteln, A. D. *International Human Rights: Universalism versus Relativism*. Hague, Sage Publications, 1990.
  - Rosas, A. *The Legal Status of the Individual in International Law*. Helsinki, University of Helsinki, 1992.
  - Sachedina, A. *Islam and the Challenge of Human Rights*. Oxford, Oxford University Press, 2009.
  - Cassese, A. *International Law* (2nd ed.). Oxford, Oxford University Press, 2005.
  - Crawford, J. *State Responsibility: The General Part*. Cambridge, Cambridge University Press, 2013.
  - Dixon, M. *Textbook on International Law* (7th ed.). Oxford, Oxford University Press, 2013.
  - Donnelly, J. *Universal Human Rights in Theory and Practice* (2nd ed.). Ithaca: Cornell University Press, 2003.
  - Dupuy, P.-M. L'unité de l'ordre juridique international. *Recueil des cours de l'Académie de droit international de La Haye*, 297, 9–489, 2000.
  - Dupuy, P.-M. *The Enforcement of International Law*. In J. Crawford, A. Pellet, & S. Olleson (Eds.), *The Law of International Responsibility* (pp. 241–264). Oxford University Press, 2008.
  - Henckaerts, J.-M., & Doswald-Beck, L. *Customary International Humanitarian Law*. Cambridge, Cambridge University Press, 2005.
  - ICJ, *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*, Hague, ICJ Press, 1986.
  - ILC, *Draft Articles on Responsibility of States for*

- Simma, B., & Alston, P, The Sources of Human Rights Law: Custom, Jus Cogens, and General Principles. *Australian Year Book of International Law*, 12, 82–108, 1988.
- Sinclair, I. *The Vienna Convention on the Law of Treaties* (2nd ed.). Manchester, Manchester University Press, 1984.
- Tomuschat, C. *Human Rights: Between Idealism and Realism* (2nd ed.), Oxford, Oxford University Press, 2008.
- UN Human Rights Committee, *General Comment No. 18: Non-discrimination*, New York, UN Press, 1989.
- United Nations. *Vienna Convention on the Law of Treaties 1969*. New York, United Nations Audiovisual Library of International Law, 2005.
- World Conference on Human Rights. (1993). *Vienna Declaration and Programme of Action*, New York, UN Press, 1993.